

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

**عنوان:**

**تأثیر فلسفه در آثار تفسیری ملاصدرا**

**استاد راهنما**

حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان

**استاد مشاور**

حجة الاسلام والمسلمین عسکری سلیمانی امیری

**نگارش و پژوهش**

علیرضا دهقانپور

1383

## پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

### عنوان:

# تأثیر فلسفه در آثار تفسیری ملاصدرا

### استاد راهنما

حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان

### استاد مشاور

حجة الاسلام والمسلمین عسکری سلیمانی امیری

### نگارش و پژوهش

علیرضا دهقانپور

# بخش اول

## کلیات

# فصل اول

## تفسیر و تأویل

## 1- تفسیر در لغت

واژه «تفسیر» مشتق از «فسر» به معنای بیان و آشکار کردن می‌باشد<sup>1</sup>. این ماده در باب تفعیل، بر مبالغه در تبیین و ایضاح دلالت می‌کند<sup>2</sup>.

بعضی فسر را مقلوب «سفر» به معنای کشف و ظهور می‌دانند<sup>3</sup> با این تفاوت که سفر فقط در اعیان خارجی به معنای کشف حسی بکار می‌رود<sup>4</sup> ولی فسر علاوه بر کشف حسی در کشف معانی معقوله نیز بکار می‌رود، گرچه استعمال آن در معنای دوم بیشتر است<sup>5</sup>.

## 2- تفسیر در اصطلاح

تفسیر قرآن در اصطلاح، علمی است که به بحث از مدلول و مراد کلام الهی، قرآن، می‌پردازد. از تعاریفی که در کتب مختلف برای علم تفسیر عرضه شده است، نکاتی به شرح ذیل بدست می‌آید:

- 1- علم تفسیر مختص قرآن بوده<sup>6</sup> و حتی حدیث قدسی را هم شامل نمی‌شود.<sup>7</sup>
- 2- از آنجا که تفسیر، بحث از مراد الهی است، بنابر این قید «به قدر طاقت بشری» در تعریف آن باید اخذ شود.<sup>8</sup>

---

1- ر.ک: الخلیل (متوفای 175)، کتاب العین، ماده فسر، الجوهری (متوفای حدود 393) صحاح اللغة، ماده فسر، ابن فارس (متوفای حدود 395)، معجم مقاییس اللغة ماده فسر، ابن منظور (متوفای 711)، لسان العرب، ماده فسر.

2- ر.ک: راغب اصفهانی (متوفای حدود 425)، مفردات الفاظ القرآن، ماده فسر، طریحی (متوفای 1087)، مجمع البحرین، ماده فسر.

3- ر.ک: طریحی، همان، السیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج 2، الطبعة الثالثة، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر، 1416 هـ ص 1189. بدرالدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج 2، الطبعة الاولى، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1408 هـ - 1988 م، ص 163.

4- راغب اصفهانی، پیشین، ماده سفر.

5- محمد حسین الذهبی، التفسیر و المفسرون، ج 1، الطبعة الاولى، قاهره، دار الکتب الحدیثه، 1381 هـ - 1961 م، ص 13.

6- ر.ک: علامه محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 1، الطبعة الاولى، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1411 هـ - 1991، ص 4. بدرالدین زرکشی، پیشین، ج 1 ص 13.

7- طریحی، پیشین، ماده فسر.

8- ر.ک: محمد حسین الذهبی، پیشین، ص 15، عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج 1 چاپ اول، قم، مرکز نشر اسراء، 1378 هـ ش، ص 176.

3- تفسیر اختصاص دارد به لفظ یا کلامی که در افاده معنای مقصود، دارای ابهام و غموض باشد.<sup>9</sup> این همان فرق میان ترجمه و تفسیر است.<sup>10</sup>

4- بعضی گفته اند علم تفسیر، علمی است که از قرآن - از آن حیث که کلام الهی است - بحث می کند از این روی تفسیر شامل بحث از مدلول کلام الهی، اعجاز قرآن، اسباب نزول، ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، نقش قرآن در تاریخ و تمدن انسانی و هدایت آن و هر بحث مرتبط به آن می باشد.<sup>11</sup>

### 3- تأویل در لغت

واژه «تأویل» در قدیمی ترین معاجم لغوی، مشتق از «اول» به معنای «انتهای امر»<sup>12</sup>، «رجوع»<sup>13</sup> و «رجوع به اصل»<sup>14</sup> می باشد. بنابر این معنای تأویل چنین می شود: «عاقبت و سر انجام»<sup>15</sup>، «باز گرداندن شیء به غایتی که از آن اراده شده است، چه قول باشد چه فعل»<sup>16</sup>، «بیان آنچه شیء بدان باز می گردد».<sup>17</sup>

نصر حامد می نویسد: تأویل، علاوه بر رجوع به اصل، به معنای رسیدن به هدف و غایت نیز می باشد. رجوع به اصل، حرکتی معکوس و رو به عقب است، اما رسیدن به هدف و غایت، حرکتی تکاملی و رو به رشد است. وجه اشتراک این دو معنی، حرکت است که از وزن تفعیل نیز بر می آید. لغویان در فرهنگ نگاری به این دلالت توجه نکرده اند. پس می توان گفت: تأویل، عبارت است از حرکت شیء یا در جهت بازگشت به اصل و ریشه اش یا در جهت رسیدن به غایت و عاقبتش، همراه با تدبیر و مراقبت از آن، البته این حرکت، مادی نیست، بلکه حرکتی ذهنی و عقلی در فهم پدیده هاست.<sup>18</sup>

---

9- ر. ک: محمد باقر حکیم، علوم القرآن، الطبعة الثالثة، قم، مجمع الفكر الاسلامی، 1417 هـ، ص 219، الطبرسی، مجمع البیان، ج 1، الطبعة الثانية، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ص 80، محمد هادی معرفت، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، ج 1، الطبعة الاولى، الجامعة الرضوية للعلوم الاسلامی، صص 13 و 17.

10- محمد هادی معرفت، پیشین، ص 14.

11- محمد باقر حکیم، پیشین، ص 224.

12- ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ماده اول.

13- محمد بن احمد الازهری، تهذیب اللغة، ماده اول، ابن منظور، لسان العرب، ماده اول.

14- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ماده اول.

15- ابن فارس، پیشین.

16- راغب اصفهانی، پیشین.

17- ا. ل. جوهری، صحاح اللغة، ماده اول.

18- نصر حامد ابوزید، معنای متن، مرتضی کریمی نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو، 1380، ص 382.

#### 4- تأویل در اصطلاح

اقوال در مراد از تأویل قرآن مختلف است. در یک تقسیم کلی، بعضی تأویل را از باب مفهوم دانسته و برخی آن را از باب واقعیت خارجی می‌دانند.

قدماء غالباً تأویل را با تفسیر هم معنی می‌دانستند.<sup>19</sup> ولی تأویل در لسان متأخرین معانی متفاوتی پیدا کرد که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

1- برگرداندن یکی از معانی محتمل به معنایی که مطابق ظاهر آیه است.<sup>20</sup>

2- انصراف لفظ از معنای راجح به معنای مرجوح بخاطر وجود قراین.<sup>21</sup>

3- توجیه آیات متشابه.<sup>22</sup>

4- بطن و معنای ثانوی در قبال ظهر و معنای اولی.<sup>23</sup>

5- ابن تیمیه می‌گوید<sup>24</sup>: یک شیء دارای دو وجود است: وجود ذهنی، وجود خارجی. دلالت آیه را بر وجود ذهنی و مفاهیم، تفسیر گویند و علم به وجود خارجی و حقایق عینی مفاهیم را تأویل.

6- علامه طباطبائی تأویل را نه از جنس مفاهیم می‌داند و نه هر مصداق خارجی را آنگونه که ابن تیمیه گفته است تأویل می‌شمارد. بلکه ایشان تأویل را آن حقیقت خارجی می‌داند که نسبتش با کلام، نسبت ممثل به مثل، باطن به ظاهر و روح به جسد است. به عنوان مثال اگر کسی گوید: «به من آب دهید» تأویل این جمله امری، آن طبیعت خارجی انسانی است که طالب کمال و بقاء می‌باشد به گونه ای که اگر آن طبیعت دگرگون شود، این جمله امری هم تغییر خواهد کرد. تمام مضامین قرآنی نیز متکی به حقایقی است که در قرآن با عنوان کتاب حکیم و ام الكتاب و لوح محفوظ بدان اشاره شده است.<sup>25</sup>

19 — ر.ک: محمد حسین الذهبی، پیشین، ص 17، بدرالدین زرکشی، پیشین، ج 2 ص 163، السیوطی، پیشین، ص 1189، الطبرسی، پیشین، ج 1 ص 80، عباسعلی عمید زنجانی، مبانی روش‌های تفسیر قرآن، چاپ چهارم، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی 1379، ص 122.

20 — ر.ک: طبرسی، پیشین، ج 1، ص 80، محمد الفیروز آبادی (متوفای 817 هـ)، القاموس المحيط، ماده فسر.

21 — محمد حسین الذهبی، پیشین، ص 18.

22 — محمد هادی معرفت، التمهید، ج 3، الطبعة الثانیة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، 1415 هـ، ص 30.

23 — صدرالمتهلین، سه رساله فلسفی (متشابهات القرآن، المسائل القدسیه، اجوبه المسائل)، با تصحیح و تعلیق جلال الدین آشتیانی، چاپ سوم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، 1378، ص 160.

24 — محمد رشید رضا، المنار، ج 3، الطبعة الثانیة، بیروت، دارالمعرفه، ج 3، ص 195.

25 — علامه محمد حسین طباطبائی، المیزان، پیشین ج 3، ص 46 و 52-54.



## 5- فرق تفسیر و تأویل

اگر چه با بیان معنای تفسیر و تأویل، تفاوت آن دو تا حدودی روشن شد، اما اینک برای تکمیل بحث به وجوهی از افتراق آن دو اشاره می شود:

- 1- تفسیر ابهام زدایی از لفظ است و تأویل رفع ابهام از مقصود نهایی آیه در میان احتمالات فراوان<sup>26</sup>.
- 2- تأویل بر خلاف تفسیر، مدلول لفظ آیه نیست.<sup>27</sup>
- 3- تفسیر ناظر به روایت است و تأویل ناظر به درایت.<sup>28</sup> به عبارت دیگر تفسیر، متوقف بر نقل صحیح است و تأویل، متوقف بر فهم صحیح.<sup>29</sup>
- 4- تفسیر، تحدید مفاهیم و بیان معانی لغوی است و تأویل، تحدید مصداق خارجی معنی؛ یعنی عقل، معنایی را در قالبی معین تحدید و تصویر می کند، مثلاً تفسیر «سلاح» وسیله غلبه بر دشمن است و تأویل «سلاح استکبار» ذکر اسلحه های آن همچون بمب اتم است.<sup>30</sup>
- 5- تفسیر، رفع ابهام ناشی از غرابت کلمه، اجمال آن و استعارات بعیده است و تأویل، رفع شک و شبهه ناشی از دقت معنی و جزالت تعبیر و برتری آن از فهم عادی.<sup>31</sup>
- 6- صدر المتألهین، تأویل را یک ضرورت در تفسیر قرآن می داند. او دست یابی به عمق معانی و بطن های قرآنی را تأویل می نامد. تأویل، فرورفتن در اعماق معانی و دیدن پشت پرده ظواهر به یاری عقل یا اشراق است. یک مفسر واقعی ناگزیر است که از راه عقل یا شهود و مکاشفه یا تجربه های دیگر بدان لایه ها دست یابد.<sup>32</sup> پس تأویل قرآن نه تنها مخالف ظاهر نبوده بلکه مکمل آن است. معانی ظاهری چون پوسته ای مغز معانی را پوشش داده اند. به عبارت دیگر تفسیر معنای متن است و تأویل حرکت در بطن، از این روی هر مرتبه دانی نسبت به مرتبه عالی تفسیر و مرتبه عالی، تأویل آن محسوب می شود.<sup>33</sup>

26- جعفر سبحانی، منشور جاوید، ج 3، چاپ سوم، قم، انتشارات توحید، 1373 ص 248

27- عباسعلی عمید زنجانی، پیشین، ص 139.

28- محمد حسین الذهبی، پیشین ص 22.

29- محمد کاظم شاکر، روش های تأویل قرآن، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، 1376، ص 32، (به نقل از تفسیر الخازن ج 1 ص 10

).

30- محمد باقر حکیم، پیشین، ص 222.

31- محمد هادی معرفت، التمهید، پیشین، ج 3، ص 9 و 10 و 28.

32- محمد خامنه ای، اصول تفسیری و هرمنوتیک قرآنی نزد ملاصدرا، خردنامه صدرا، شماره 18، 1378، ص 68 و 69.

33- ر.ک: صدر المتألهین، تفسیر القرآن الکریم، الطبعة الثانية، قم، انتشارات بیدار، 1415 ق— 1373 ش، ج 7 ص 194، ج 2، ص 157

در اینجا توجه به این نکته ضروری است که وجوه مذکور در اختلاف تفسیر و تأویل بر یک مبنی و مشرب نبوده بلکه بنابر مبانی مختلف در معنای تأویل، وجوه افتراق آن با تفسیر تفاوت خواهد داشت.

## 6 - شرایط تأویل

پس از ذکر اقوال مختلف درباره تأویل، باید دید چه کسی و با چه شرایطی می تواند به تأویل قرآن دست یابد. اگر در تأویل، رعایت شرایطی لازم است، پس می توان گفت تأویل دو قسم است، زیرا که تأویل با رعایت شرایط، تأویل صحیح و مقبول خواهد بود و بدون آن، مردود و ممنوع.

یکی از شرایطی که برای تأویل ذکر شده است، رعایت تناسب ظاهر کلام با معنای تأویلی و باطنی است<sup>34</sup>؛ به عبارت دیگر پرهیز از تأویل بدون دلیل و قرینه<sup>35</sup>. شرط دیگر بکار گیری قانون سبر و تقسیم یا تنقیح مناط برای الغاء خصوصیت و رسیدن به لبّ کلام است<sup>36</sup>.

صدر المتألهین شرایطی را برای تأویل ذکر می کند که می توان آنها را در دو شرط عمده خلاصه کرد:

1- شرایطی که به شخص مفسر مربوط می شود و آن تقرب به درگاه قدس الهی است که حاصل نمی شود مگر با ریاضت، عبادت، زهد، خشوع، صبر، نماز، تجرید ذهن از خواطر، سد ابواب مشاعر، توغل در الهیات و رهائی از زندان مادیات<sup>37</sup>.

2- شرایطی که به شیوه تأویل مربوط می شود: به عقیده ملاصدرا خطر تأویل بدون توجه به ظواهر قرآنی، به مراتب بیشتر از جمود بر ظواهر است. وی می گوید: «اقتضای دیانت آن است که اعیانی که در قرآن و حدیث آمده تأویل نشود مگر به صورت و هیئتی که ذکر شده است بلکه به ظاهر اکتفاء شود مگر آنکه شخص از کسانی باشد که خداوند حقایق و معانی را بر او مکشوف ساخته است چنین فردی نیز بعد از مکاشفه نباید صورت اعیان را باطل کند؛ زیرا که این از شرایط مکاشفه است. پس الفاظ قرآن نباید حمل بر مجاز و استعارات بعیده شود همانطور که نباید جنت، نار، صراط، حور و قصور بر مجرد معنی بدون صورت تأویل شوند<sup>38</sup>». ملاصدرا شرط

صدر المتألهین، مفاتیح الغیب، ج 1، الطبعة الاولى، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی، 1419 هـ - 1999 م، ص 161، صدر المتألهین، سه رساله فلسفی، یشسن، ص 274 و 156.

34 - محمد هادی معرفت، التفسیر و المفسرون پیشین ج 1 ص 24.

35 - جعفر سبحانی، منشور جاوید، پیشین، ج 3 ص 248.

36 - محمد هادی معرفت، التفسیر و المفسرون، پیشین، ج 1 ص 28.

37 - صدر المتألهین، تفسیر القرآن الکریم، پیشین، ج 3 ص 298.

38 - همان ج 4 ص 166.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

صحت تأویل را موافقت با کتاب و سنت شمرده<sup>39</sup> و در قانونی کلی می گوید: «کل تأویل ینافی التفسیر فلیس بصحیح» یعنی هر تأویلی که با تفسیر ظاهر قرآن منافات داشته باشد باطل است<sup>40</sup>.

---

39 - همان ج 2 ص 157.

40 - صدرالمتهین، سه رساله فلسفی، پیشین، ص 282.